

محمد حسین مرعشی شهرستانی و رساله سبیل النجات

دره بر طریق الحیات گتلیب فاندرا

۲۰۱-۲۱۱

چکیده: رديه‌های اسلامی - مسیحی به جهت انعکاس انبوهی اطلاعات دینی جزء میراث گرانبهای ادیان ابراهیمی به شمار می‌روند. این متون به رغم رویکرد عمدتاً جدلی که دارند، به شناخت ما از سیر و تحول مواجهه مسلمانان با کتاب مقدس، و برعکس مسیحیان با قرآن کمک می‌کند. حجم انبوهی از این رديه‌ها به قرن نوزدهم میلادی تعلق دارند: در این میان، رساله‌های معدودی را می‌توان یافت که در روش و محتوا دارای خلاقیت و نوآوری باشند.

رساله سبیل النجات یکی از این معدود متون است که شایسته بررسی و تحلیل می‌باشد. همانطور که موضوع اصلی رساله فاندرا گناه و پیامدهای آن بود، مباحث رساله سبیل النجات نیز در تناظر با آن می‌باشد. نویسنده آن از یک سو عبارات معینی از رساله طریق الحیات فاندرا را نقل می‌کند، و مشخصاً به نقد آنها می‌پردازد. از طرف دیگر سبیل النجات جزء رساله‌هایی است که استناد به کتاب مقدس به طور خاص عهد جدید در آن فراوان است. مقاله حاضر بر روش‌شناسی نویسنده و منبع‌شناسی سبیل النجات متمرکز است.

کلیدواژه‌ها: محمد حسین مرعشی شهرستانی، سبیل النجات، گتلیب فاندرا، طریق الحیات، اظهار الحق، رحمت الله هندی، رديه‌های اسلامی - مسیحی قرن نوزدهم.

از دانشمند ارجمند جناب آقای دکتر رضا پور جوادی

بابت معرفی این رساله و پیشنهادهای سودمند در

نگارش مقاله سپاسگزارم.

**Muhammad Hussein Mar'ashī Shahrīstānī and
the Treatise of Sabīl Al-Najāt: In Refuting
Gottlieb Pfander's Ṭarīq al-Hayāt**
Heider Eyvazi

Abstract: Islamic-Christian apologetic works are part of the precious heritage of Abrahamic religions because they reflect the abundance of religious information. Despite their mainly polemical approach, these texts help us to understand the evolution of Muslims' encounters with the Bible, and on the contrary, Christians' encounters with the Qur'an. A large amount of these refutations belong to the 19th century; meanwhile, few treatises can be found that have creativity and innovation in their method and content.

Sabīl Al-Najāt treatise is one of these few texts that deserve to be examined and analyzed. As the main topic of Pfander's treatise was sin and its consequences, the topics of Sabīl Al-Najāt treatise also correspond to it. On the one hand, its author cites certain passages from Pfander's Ṭarīq al-Hayat treatise, and clearly criticizes them. On the other hand, Sabīl Al-Najāt is one of the treatises in which there are many references to the Bible, especially the New Testament. The present article focuses on the methodology of the author and the sources of Sabīl Al-Najāt.

Keywords: Muhammad Hussein Mar'ashī Shahrīstānī, Sabīl Al-Najāt, Gottlieb Pfander, Ṭarīq al-Hayāt, Izhār al-Ḥaq, Rahmatullāh Hindi, Islamic-Christian Apologetics of the 19th century.

۱. درآمد

محمد حسین شهرستانی متولد کرمانشاه است. بر اساس یادداشت خود مؤلف در زوائد الفوائد زادروز او پنج شنبه ۱۵ شوال ۱۲۵۶ ق. (۱۰ دسامبر ۱۸۴۰ م.) است، البته در اکثر تراجم ۱۲۵۵ ق. (۱۸۳۹ م.) ذکر شده که صحیح نیست (اشکوری، ۲۰۱۴: ۱/۳۲۹). او متعلق به خانواده ای است که نسل های متوالی از علما بودند. شهرت او به شهرستانی به جهت این است که جد او محمد حسین حائری (متوفی بعد از ۱۸۱۴) داماد محمد مهدی شهرستانی (متوفی ۱۸۰۰) از علمای طراز اول کربلاگردید و نسبت شهرستانی را از او گرفت (درباره او بنگرید به آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۳: ۲۱/۱۷۶؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۹۷۱: ۱۰/۴۱۴).

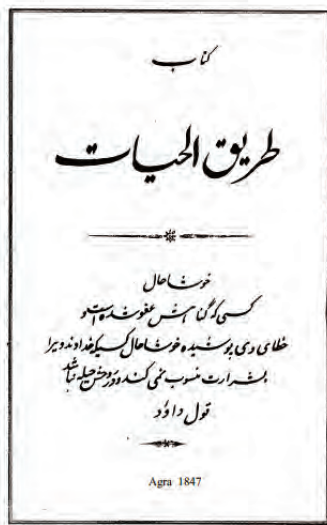
محمد حسین شهرستانی در نوجوانی مدت کوتاهی را به همراه پدر در مشهد گذراند و در آنجا بعضی مقدمات علوم مانند متن صمدیه و ألفیه ابن مالک را فراگرفت. از ۱۳ سالگی به کربلا منتقل شد و در کنار فقه و اصول، با فلسفه، کلام، هیئت و نجوم، همینطور هندسه و عروض آشنایی پیدا کرد (همو، همانجا). از استادان او در فقه و اصول، علاوه بر پدرش، باید از محمد حسین اردکانی (متوفی ۱۳۰۲/۵ ق.) نام برد. شهرستانی تقریرات درس اصول اردکانی را با عنوان غایة المسؤل ونهایة المأمول نگاشت که تحسین استادش را در پی داشت. او در ۱۲۸۲ ق. (۱۸۶۵ م.) از پدر و در ۱۲۸۷ ق. (۱۸۷۰ م.) از اردکانی اجازه اجتهاد دریافت کرد (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۷۱، ج ۱۴، ص ۶۲۸).

شهرستانی علاوه بر کرسی تدریس در کربلا، زعامت دینی جمع زیادی از شیعیان را نیز بر عهده داشت (مدرس، ج ۳، ص ۲۷۲). در عهد ناصر الدین شاه (حک. ۱۸۹۶) دو بار در سالهای ۱۳۰۰ ق. و ۱۳۰۶ ق. (برابر با ۱۸۸۲ و ۱۸۸۸ م.) برای زیارت امام رضا عازم مشهد می شود که در عبور از تهران مورد استقبال گرم درباریان، تجار و مردم قرار می گیرد. وی همینطور مورد احترام ملا علی کنی (متوفی ۱۸۸۸) نیز بود به طوری که در مدت اقامتش در تهران در رمضان ۱۳۰۶ ق (می ۱۸۸۹) به جای او در مسجد مروی اقامه نماز می کند. اعتماد السلطنه از نویسندگان مشهور این دوره، ضمن گزارش نسب نامه شهرستانی از او به نیکی تمام یاد می کند، و می نویسد: «فی التاریخ (یعنی هنگام نگارش المآثر) او در تهران است (اعتماد السلطنه، المآثر والآثار، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۳). شهرستانی در سوم شوال ۱۳۱۵ ق. (برابر با ۲۵ فوریه ۱۸۹۸) دیده از جهان فروبست و در کربلا و در حرم امام حسین دفن گردید (آقا بزرگ، ۱۹۷۱، ج ۱۴، ص ۶۲۹).

۲. آثار علمی مرعشی شهرستانی

از محمد حسین شهرستانی بیش از ۸۰ رساله به زبان های فارسی و عربی در موضوعات مختلف از فقه و اصول، تا حساب و هندسه، نجوم و هیأت نیز ردیه بر مسیحیت و شیخیه از وی برجای مانده است؛ برخی از آنها در زمان حیات مؤلف یا بعدتر منتشر شدند، مانند:

۱. آیات بینات (الآیات البينات)، رساله‌ای در ردّ دهریون: نیچریان و دیگر پیروان نظریه‌های تکامل طبیعی؛
۲. الآيات المحکّمات فی دفع الشبهات^۲،
۳. تریاق فاروق، (فارسی در شیخیه)،
۴. تنبیه الأنام علی مفاصد إرشاد العوام^۳،
۵. الحجّة البالغة والنعمة السابغة، (فارسی، در اثبات وجود امام زمان، چاپ ۱۳۰۷ ق.)؛
۶. خوان نعمت، (منظومه فارسی، تهران: ۱۳۵۱ ش.)؛
۷. غایة المسؤل ونهاية المأمول فی علم الأصول، (تهران: ۱۳۰۸ ق.)؛



و همینطور باید از رساله عملیه وی نیز اشاره کرد که ذیل عنوان النور المبین فی أحكام الدین به سال ۱۳۱۲ ق. طبع گردید. و بسیاری نیز به صورت نسخ خطی برجای مانده‌اند، از جمله:

۱. تسهیل المشاکل (فی النحو)؛ ۲. تلویح الإشارة فی تلخیص شرح الزیارة (خلاصه شرح زیارت احسائی)؛ ۳. حفظ کتاب الشریف عن القول بالتحریف (ردّ بر محدث نوری)؛ ۴. زوائد الفوائد، (متفرقات و رسائل)؛ ۵. الردّ علی نصیحة الشیعة؛ ۶. العناصر المتین فی شرح معضلات القوانین؛ ۷. غایة التقرب (ارجوزة)؛ ۸. الغدیریة (قصیده در وصف روز غدیر)؛ ۹. اللآلی: فی متفرقات الفقه و الأصول؛ ۱۰. لباب الإجتهاذ؛ و دهها رساله دیگر (نک. اشکوری، ۲۰۱۴، ۱/ ۲۳۵-۲۳۷).

۳. سبیل النجات

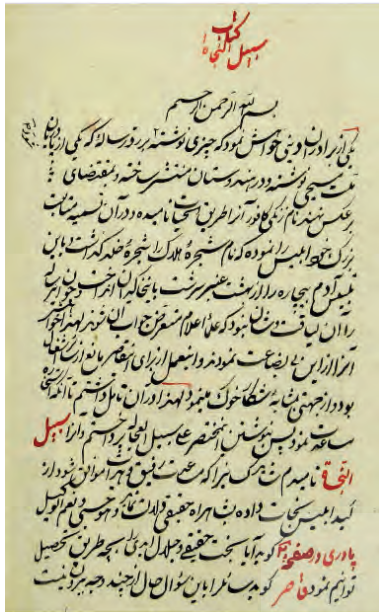
بر اساس تصریح شهرستانی در دیباجه (ا ب)، رساله به درخواست «یکی از برادران دینی» نویسنده بوده، که از وی خواسته رده‌ای به رساله طریق الحیات اثر کارل گتلیب فاندرا (۱۸۰۳-۱۸۶۵) بنویسد که در هندوستان منتشر شده است. شهرستانی به هويت درخواست کننده اشاره‌ای نکرده که آیا او از ساکنان هندوستان بوده یا نه. شهرستانی به نام نویسنده مسیحی نیز اشاره‌ای نکرده و از او به «یکی از پادریان ملت مسیحی» تعبیر می‌کند. و طریق الحیات را کتابی گمراه کننده می‌خواند. می‌دانیم که کتاب فاندرا از چند دهه قبل به سبب چاپ‌های متعدد در سراسر هند به طور گسترده پخش بوده است.

موضوع اصلی رساله فاندرا گناه و پیامدهای آن، فدیّه / کفاره^۴ و مسأله نجات است. طریق الحیات

۱. چاپ اول آن به سال ۱۲۹۹ ق. در لاهور، مطبعه «نیو امپریال پریس»، بازچاپ آن با مقدمه کامران امیرارجمند، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۵ ش.

۲. چاپ نجف، ۱۳۷۸ ق.

۳. مؤلف در این رساله بر اساس رأی خود یکصد مفسده از رساله ارشاد العوام اثر محمدکریم خان کرمانی را برشمرده است.



که در سه فصل ۱. گناه و نتایج آن، ۲. راه‌های نجات، ۳. نجات از طریق مسیح، تدوین شده است؛ و هر فصلی متضمن چند بخش (مقصد) می‌باشد.

۴. رساله سبیل النجات

نسخه های خطی

تاکنون پنج نسخه خطی این اثر شناخته شده که عبارتند از:

۱. نسخهٔ مکتبه الإمام امیر المؤمنین رقم المخطوط ۱۹۲۷، النجف الأشرف، تاریخ التألیف: شوال ۱۳۰۱ ق.

۲. نسخهٔ خوانسار ۴۸۰، کتابخانهٔ فاضل، خط نستعلیق، بی کاتب، تاریخ: قرن ۱۴، افتادگی از آغاز، مصحح، محشی؛ جلد: مقوایی، ۳۲۳ برگ، اندازه: ۱۱ × ۱۶ سم.

۳. نسخه مرعشی ۵۸۴۵ / ۳؛ کتابت عبدالهادی حسینی شهرستانی (عموزادهٔ مؤلف)، تاریخ اتمام کتابت: پنج شنبه ۱۸ شوال ۱۳۰۵ ق.

۱۸ June ۱۸۸۸ به خط نسخ، ۲۱ برگ (۷۲ پ. ۹۲ پ)، اندازه: ۱۴ / ۵ × ۱۸ / ۵ سم.

۴. نسخهٔ مرعشی ۵۰۰۹؛ کتابت محمدحسین بن محمدجعفر، تاریخ اتمام کتابت: سه شنبه ۲۳ شوال ۱۳۱۳ ق، به خط نستعلیق، ۲۷ برگ، ۱۷ سطر، اندازه: ۱۳ / ۵ × ۲۱ سم. در حاشیهٔ نسخه تصحیح‌هایی نیز دیده می‌شود که با توجه به شباهت خط آن به متن کتاب، محتملاً اثر خود کاتب باشد که در بازخوانی نسخه انجام داده است؛ با این حال هنوز در جاهایی از این نسخه برخی اغلاط برجای مانده است.

۵. نسخهٔ مرعشی ۳۱۱۷ / ۲؛ کتابت محمد بن آخوند ملا عبدالعظم روضه خوان، تاریخ اتمام کتابت: جمادی الأول ۱۳۱۵ ق، به خط نستعلیق، ۱۴ برگ، ۲۵ سطر، اندازه ۱۷ × ۲۱ سم. (درایتی، فنخا، ۲۰۱۲ م، ج ۱۷، ص ۹۴۸).

تمام ارجاعات در مقاله حاضر بر اساس نسخهٔ چهارم (ش. ۵۰۰۹) می‌باشد که در کتابخانه مرعشی قرار دارد.

۵. مروری بر محتوای مباحث سبیل النجات

همانطور که موضوع اصلی رسالهٔ فاند رنگناه و پیامدهای آن بود، مباحث رسالهٔ سبیل النجات نیز در تناظر با آن می‌باشد. اما برخلاف طریق الحیات، سبیل النجات فاقد هرگونه تبویب است، بلکه نویسنده به صورت گزینشی عباراتی را از طریق الحیات نقل، سپس به نقد آن می‌پردازد؛ شهرستانی مطالب خود را همواره با عبارت «قاصر می‌گوید» آغاز می‌کند.

همه نقل قول‌های مندرج از کتاب فاندر نیز با ذکر شماره صفحه است؛ البته هنوز نمی‌دانیم که نسخه مورد استفاده او کدامین چاپ از طریق الحیات بوده، اما قطعاً نسخه چاپی ۱۸۴۷ م. (آگرا، هند) نبوده، چه اینکه با بررسی که به عمل آمد هیچ کدام از شماره صفحات مطابقت نداشت. در موارد متعددی مطالب فاندر در نهایت ایجاز نقل شده، به طوری که برای فهم دقیق مطلب باید به متن کتاب طریق الحیات مراجعه کرد (مانند برگ ۱۲ الف؛ ۱۸ ب).

سبیل النجات، پس از مقدمه کوتاه در وجه تسمیه کتاب و مباحث مقدماتی، به معرفی بخش‌های مختلف کتاب مقدس و به طور برجسته نقد زبان شناسی تاریخی آن می‌پردازد (برگ ۳ الف. ۸ ب). شهرستانی تقریباً یک سوم از حجم کل رساله را به این مبحث اختصاص داده، که ناظر به مباحث طریق الحیات نیست، بلکه صرفاً پاسخ به این ادعای فاندر است که کتب آسمانی را محدود به «تورات، زبور، صحف انبیاء و انجیل» دانسته و البته برای اطلاع بیشتر از ماهیت کتاب مقدس مخاطبان را به کتاب دیگر خود، میزان الحق ارجاع داده است. به این ترتیب، این بخش از سبیل النجات در واقع پاسخ به میزان الحق است، البته از محتوای رساله شهرستانی بر نمی‌آید که او میزان الحق را دیده باشد.

۶. روش شناسی سبیل النجات

روش شهرستانی در سراسر سبیل النجات، در پاسخ به فاندر کاملاً جدلی است؛ توضیح آنکه، وی برای هر عبارتی که از فاندر نقل می‌کند، سعی می‌کند موارد نقضی از کتاب مقدس یا حتی مشهورات بیابد. از جمله فاندر در توضیح گنه‌کار بودن آدمی از این مقدمه استفاده می‌کند: «بدیهی است که اگر انسان بی‌گناه بودی هرآینه از خدا نترسیدی، بلکه او را دوست داشته از مرگ و روز بازخواست اندیشه و هراس نمودی»، پاسخ شهرستانی چنین است: «قاصر گوید: مخفی نیست که بی‌راحتی و بی‌آرامی در اطفال صغیر و مجانین نیز موجود است و آنها که معصوم و خالی از گناهند، پس سبب بی‌راحتی آنها چیست، و ایضا بسیاری هستند که گناه بسیار دارند و اصلاً خوف ندارند، پس آنچه را که پادری سبب بی‌راحتی و خوف دانسته نه مطرد است و نه منعکس» (۱۲ ب). همچنین فاندر از رساله رومیان این طور برداشت کرده که احدی معصوم نیست؛ شهرستانی در پاسخ می‌گوید: «این شامل مسیح هم هست، پس این اشکال مشترک الورد است، و هرچه جواب تُست، همان جواب ما است» (۱۹ ب). یک نمونه دیگر: «پادری گفته در صفحه ۴۵، بر ظن [گمان] و احادیث محمدی عذاب و زحمات جهنم تماماً مجازی و جسمانی است، الخ. قاصر گوید: عبارات انجیل و غیره که خود نقل کرده صریح بود در آتش جسمانی، پس ندانستیم که سرکار پادری از کدام دلیل عقلی یا نقلی دانست که عذاب جهنم جسمانی نیست، بلکه روحانی محض است. و این عبارت همه من باب تمثیل است و از کجا فهمیده که روح در قیامت بدون جسم است، تا اینکه معذب شدن او به عذاب

جسمانی محال باشد. و از چه راه عبارت انجیل را بر تمثیل حمل می‌کند و کلمات محمدیان را بر تمثیل حمل نمی‌کند» (۱۲ ب. ۱۳ الف).

در رابطه با فدیة بودن مسیح، خلاصه استدلال فاندرا به این شکل است که همه آدمیان گنهکاراند و از آنجایی صرف ایمان ایشان نمی‌تواند اسباب نجات را فراهم کند، ایمان به مرگ فدیة وار مسیح تنها راه نجات است. شهرستانی سعی می‌کند تک تک مقدمات این استدلال را نقض کند: اولاً اگر همه گنهکارند، این شامل مسیح نیز می‌شود (۱۹ ب)، ثانیاً چه استبعادی دارد که خود خداوند صرفاً با توبه آدمیان تمام گناهان ایشان ببخشید و حتی از طرف خود حق الناس‌ها را هم جبران کند و این با حکمت خداوند نیز در تعارض نیست (۱۹ الف)، ثالثاً، اگر واقعاً نیازی به مرگ فدیة وار کسی هست، از کجا معلوم که مصداق آن شخص مسیح است، با توجه به اینکه جمعی معتقدند اساساً او قبل از موت به آسمان‌ها عروج کرد، آنکه چه استبعادی دارد که «آن کفار، شهادت امام مظلوم سید الشهداء باشد که از اول دنیا تا بحال کسی اینقدر متحمل مصائب و شدائد نشده است در راه دین خدا... پادری را بر نفی این چه دلیل است!» (۱۹ ب).

در ادامه، هنگامی که فاندرا هدف از ظهور مسیح را مرگ فدیة وار او قلمداد کرده، استدلال شهرستانی کاملاً مبتنی بر متن عهد جدید است؛ او می‌گوید، اگر چنین بود، می‌بایست در خود اناجیل بدان تصریح می‌شد، حال آنکه این موضوع صرفاً در نامه‌های حواریین مطرح شده است. آنگاه برای اثبات اختلاف میان رویکرد شخص مسیح در اناجیل و رساله‌های حواریون به طور خاص پولس به این فقره معروف از انجیل متی (۵: ۱۷) استناد می‌کند: «تصور مکنید که من از بهر ابطال تورات و رسائل انبیاء آمده‌ام، نه بلکه به جهت تکمیل آمده‌ام» (البته شماره باب و آیه در اینجا اشتباه است، ۲۱: الف).

همینطور، شهرستانی با استفاده از مبانی کلام اسلامی و اصطلاحات منطق ارسطویی، نظریه الوهیت و فرزند خدا بودن مسیح را نقد می‌کند: «اینها همه تناقض و بی‌معنی است، زیرا که فرزند چگونه در ذات با پدر یکی تواند بود، آیا ابوة و بنوة از قسم متضایفین نیستند، پس اتحادشان محال است، و اگر اتحاد صحیح است، پس خدا خدا را ارزانی داشته تا کشته شود...» (۲۴ ب). استدلال‌های نویسنده با تعابیر خطابی چون «مسیح هنوز زنده است، و سرش هم درد نکرده» (۲۴ الف) می‌آمیزد.

مباحث پایانی این رساله بر بازخوانی یا تفسیر اسلامی از یوحنا ۱۶: ۱۳ متمرکز است که همواره در متون کلامی و دفاعیه‌ای تکرار شده است؛ توضیح آنکه در رابطه با بشارت‌ها به آمدن «روح راستی»، تسلی دهند» که در سخنان مسیح به طور خاص در انجیل یوحنا تکرار شده، شهرستانی نیز همچون پیشینیان خود مصداق آن را پیامبر اسلام تلقی می‌کند (۲۵ الف، ب).

نگارنده رساله از ضرب‌المثل‌هایی فراوانی جهت تمسخر و تضعیف موضع فاندرا استفاده کرده است.

مثلاً «برعکس نهند نام زنگی، کافور» سطر ۳ (ب)، «جائی که عقاب پر بریزد» سطر ۱۳ (الف)، «درخت خربزه الله اکبر» سطر ۲ (الف)، «کوری که عصاکش کور شود» سطر ۷ (ب)، «أبرد من یخ» سطر ۹ (الف).

۷. منابع شهرستانی در سبیل النجات

طرح مباحث بسیار ظریف و فنی زبان شناسی در بخش نخست سبیل النجات، در زبان فارسی تا آن زمان سابقه طولانی ندارد و از مباحث نوین نقادی متن به شمار می‌رود. منبع اصلی شهرستانی در طرح این مباحث، همانطور که خود بدان تصریح کرده کتاب اظهار الحق رحمت الله هندی (۱۸۹۱ م.) است، عین سخن او چنین است: «و تفصیل آن در کتاب فصل الخطاب از رساله اظهار الحق نقل شده و اکثر این مطالب سابق نیز منقول از آنست» (ب ۸). در ذیل نمونه‌ای از ترجمه شهرستانی از اظهار الحق ملاحظه می‌شود:

سبیل النجات ۳ ب	اظهار الحق، ج ۱ / ۱۱۵
«طریق تصنیف در سابق و حال چندان تفاوتی نکرده و هر مصنفی لابد از حال او معلوم می‌شود که کتاب از اوست یا نه و از عبارات تورات ظاهرست که کاتب او موسی نبوده، بلکه در زمان او نوشته نشده و همه جا تمیز داده مابین قول خدا و قول موسی، و موسی را به صیغه غائب گفته و در هیچ موضعی به صیغه متکلم نگفته است.»	«طریق التصنیف فی سالف الزمان کان مثل الطریق المروج الآن... بأن المصنف لو کان یکتب حالات نفسه والمعاملات التي رأها بعینه، کان یکتب بحیث یظهر لناظر کتابه أنه کتب حالات نفسه والمعاملات التي رأها، وهذا الأمر لا یظهر من موضع من مواضع التوراة، بل تشهد عباراتها أن کاتبها غیر موسی... ویمیز بین هذه الأقوال بأن ماکان فی زعمه قول الله أو قول موسی أرجه تحت (قال الله) أو (قال موسی)، وعتبر عن موسی فی جمیع المواضع بصیغه الغائب...»

همینطور عبارت «بعضی نقل کرده‌اند» در کلام شهرستانی به رحمت الله هندی در اظهار الحق اشاره دارد، ملاحظه کنید:

سبیل النجات ۴ ب	اظهار الحق، ج ۱ / ۱۱۷.۱۱۶
«داکتر سکندر کیدس گفته چنانچه بعضی نقل کرده‌اند، در اول کتابش که آنچه بر من معلوم شده است جزماً سه چیز است: یکی آنکه تورات موجود از کلام موسی نیست؛ دویم آنکه در کنعان یا در اورشلیم نوشته شده؛ سیم آنکه قبل از سلطنت داود نبوده و بعد از زمان حزقیا نیز تألیف نشده، بلکه در زمان سلیمان تا زمان هومر شاعر نوشته شده.»	«قال الدكتور سکندر کیس... ثبت لی بظهور الأدلة الخفیة ثلاثة أمور جزماً: الأول، أن التورات الموجودة لیس من تصنیف موسی؛ والثانی، أنها کتبت فی کنعان أو اورشلیم...؛ والثالث، لا یشیت تألیفها قبل سلطنة داود ولا بعد زمان حزقیا، بل تألیفها إلی زمان سلیمان... أو إلی زمان قریب منه فی الزمان الذی کان فیه هومر الشاعر.»

نیز، استناد نویسنده به تفسیر کتاب مقدس آدام کلارک (۱۷۶۰-۱۸۳۲ م.) نیز به واسطه همین اظهار

الحق می باشد (۴ ب؛ ۸ الف).

سبیل النجات جزء رساله هایی است که استناد به کتاب مقدس به طور خاص عهد جدید در آن فراوان است، هرچند بسیاری از آنها نقل به مضمون شده، اما در مواردی که به صورت نقل قول مستقیم آورده، منبع او ترجمه هنری مارتین بوده است؛ در جدول ذیل که بخشی از انجیل متی (۷: ۲۱-۲۲) در هر دو متن مقایسه شده، تردیدی در این موضوع باقی نمی گذارد:

ترجمه هنری مارتین (لندن، ۱۸۷۶ م.)	سبیل النجات (۲۱ ب)
«نه هر که مرا خداوند خداوند گوید در ملکوت آسمان داخل خواهد گشت، بلکه آن کس که اراده پدرم که در آسمان است به عمل آورد.»	«نه هر که مرا خداوند خداوند گوید در ملکوت آسمان داخل خواهد شد، بلکه آن کس که اراده ربم که در آسمان است به عمل آورد.»
و در آن روز بسا کسانی که به من خواهند گفت خداوندا خداوندا آیا به اسم تو نبوت نمودیم... آنگاه به ایشان خواهم گفت که من شما را هرگز نمی شناختم، از من دور شوید ای بدکاران».	و در آن روز بسا کسانی که به من خواهند گفت خداوند خداوند آیا به اسم تو نبوت نمودیم... آنگاه به ایشان خواهم گفت که من شما را هرگز نمی شناختم، از من دور شوید ای بدکاران».

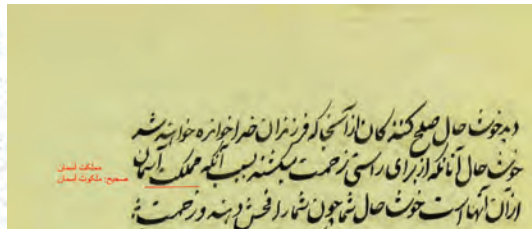
در رابطه با عبارت فوق در سبیل النجات ذکر چند نکته خالی از لطف نیست: ۱. عبارت «ملکوت آسمان» از کلیدواژه های مسیحی است که فراوان در عهد جدید به کار رفته، نکته اینجاست که هر جا که در نسخه هنری مارتین درست ضبط شده، در سبیل النجات نیز همان شکل نگارش شده (مانند متن فوق)، و دقیقاً هر جا که در نسخه هنری مارتین در اثر اشتباه چاپی «مملکت آسمان» ضبط شده، این خطا نیز تکرار شده است (نک. ادامه)؛ ۲. شهرستانی عبارت «اراده پدرم» در ترجمه هنری مارتین را به «اراده ربم» تغییر داده است (ویرایش اسلامی). نمونه دیگر از متی (۲۵: ۳۳-۴۳):

سبیل النجات (۲۲ الف، ب)	ترجمه هنری مارتین (لندن، ۱۸۷۶ م.)
«پس میشها را بر راست و بزها را بر چپ ایستاده نمود.»	«پس میشها را بر راست و بزها را بر چپ خود ایستاده خواهد کرد.»
آنگاه ملک به اصحاب یمین خواهد گفت: ای برکت یافتگان پروردگار من بیائید و آن مملکتی که از ابتدای عالم به جهت شما مهیا شده بود تصرف نمائید.	آنگاه ملک به اصحاب یمین خواهد گفت: ای برکت یافتگان پدر من بیائید و آن مملکت را که از ابتدای عالم به جهت شما مهیا شده بود تصرف نمائید.
... بی کس بودم پناهم ندادید و برهنه بودم نپوشانیدید بی کس بودم پناهم ندادید و برهنه بودم نپوشانیدید ...

همانطور که ملاحظه می شود، تمام ویژگی های ادبی در ترجمه هنری مارتین، از ساختار جملات «ایستاده خواهد کرد»، استفاده از واژگان و ترکیب های عربی «ملک»، «اصحاب یمین»، حتی اغلاط

تأییدی که در این ترجمه هست (مملکت، صحیح: ملکوت) در متن سبیل النجات نیز دیده می شود. نمونه دیگر از اشتباه چاپی مذکور:

پادشاهان که ایشان خدا را خواهند دید (۹) خوشحال صلح کنندهگان از آنجا
که فرزندان خدا خوانده خواهند شد (۱۰) خوشحال آنان که از برای راستی
رحمت می کشند بسبب آنکه مملکت آسمان از آن آنهاست (۱۱) خوشحال
شما چون شمارا بخش دهند و رحمت رسانند و کاذبانه هم قسم سخنان



(ترجمه هنری مارتین، متی ۵: ۱۰)

(سبیل النجات، ۱۸ الف، سطر ۲)

۸. نتیجه گیری

رویکرد شهرستانی در سراسر این رساله رد کلیات نیست، بلکه او بر سر جزئیات و تک تک عباراتی که از طریق الحیات می آورد، بحث می کند. شهرستانی به دقت کتاب طریق الحیات را خوانده، و نفس این موضوع در ادبیات جدلی اهمیت دارد.

در سراسر این رساله، با یک فقیه نص گرا مواجهیم که به شدت از قرائت اخلاقی از دین و نیز تأویل های صوفیانه فاصله می گیرد. باید توجه داشت که رویکرد فاندردر طریق الحیات قرائت اخلاقی از دین است. اما شهرستانی آن را نقد می کند. به طور مثال هنگامی فاندردر می گوید: «مسلمانان نیت و فکر بد را هیچ گناه حساب نمیکنند» پاسخ شهرستانی چنین است: «قاصر گوید گناه فی الحقیقه عبارتست از مخالفت خدا، پس اگر بگوید زنا مکن، مخالفت او به زنا کردن است، نه به خیال زنا... کلمات پادری که می گوید محض خیال گناه، گناه عظیم است، خیال محض بلکه بهتان عظیم است» (۱۸ الف، ب). همینطور، شهرستانی با قرائت صوفیانه از دین نیز میانه ای ندارد، به این جهت در ضمن بحث از اینکه آیا عذاب در جهنم جسمانی یا روحانی است، انگاره روحانی بودن عذاب در میان صوفیه مسلمین را نیز نااستوار می شمرد: «باری این کلمات ناشی از بی انصافی است و در صوفیه مسلمین نیز این تأویلات شایع است» (۱۳ الف). به عبارت دیگر، اهمیت سبیل الحیات بیشتر ناظر به نحوه موضع گیری یک فقیه شیعی در مواجهه با فعالیت های تبشیری است.

منابع

- کتاب مقدس (عهد جدید)، ترجمه هنری مارتین، لندن، دار الطباعة گلبرت و رینگتن، ۱۸۷۶ م.؛
آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، طبقات اعلام الشيعة (ج ۱۴)، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۹۷۱.
-، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، بیروت: دار الأضواء، ۱۹۸۳.
آل طعمة، سلمان هادی، تراث كربلاء، تهران: مشعر، ۲۰۱۴.
اشکوری، سید احمد حسینی، المفصل فی تراجم الأعلام (ج ۱)، قم، مجمع ذخایر اسلامی، ۲۰۱۴.
اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، المآثر والآثار (ج ۱)، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۹۹۵.
حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار در احوال رجال دورة قاجار، اصفهان: نفايس مخطوطات اصفهان، ۱۹۸۵.
دراييتي، مصطفي، فنخا: فهرستگان نسخه های خطی ایران، ج ۱۷، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۱۲ م.؛
سعادت، فريده، مدخل «شهرستانی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۸، ص ۱۱۹-۱۲۶.
فاندر، کارل گتلیب، طریق الحیات، آگرا، ۱۸۴۷ م.؛
مدرس، میرزا محمد علی، ریحانة الأدب (ج ۳)، تهران: انتشارات خیام، ۱۹۹۰.
مرعشی شهرستانی، محمد حسین بن محمد علی، سبیل النجات، نسخه خطی ش. ۵۰۰۹، کتابخانه آیت الله العظمی شهاب الدین مرعشی، قم؛
مشار، خان بابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون (ج ۲، ۴)، تهران: مؤلف، ۱۹۷۱.
هندي، رحمت الله، اظهار الحق، تحقيق: محمد احمد محمد ملکاوی، الرياض: الإدارة العامة للطبع والترجمة، ۱۹۸۹ م.؛